




The University of Tehran Press

Feasibility of Litigation for the Effects of Climate Change on the Marine Environment Under the Law of the Sea Convention

Hajar Raei Dehaghi¹ 

1. Ph.D. in Public International Law, Faculty of Law and Political Science, University of Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran. Email: h_raee@yahoo.com

Article Info	Abstract
<p>Article Type: Research Article</p> <hr/> <p>Pages: 1025-1049</p> <hr/> <p>Received: 2021/08/11</p> <p>Received in revised form: 2021/11/15</p> <p>Accepted: 2022/01/28</p> <p>Published online: 2024/06/21</p> <hr/> <p>Keywords: <i>Climate change, dispute resolution, convention on the law of the sea, marine environment.</i></p>	<p>Governments are still reluctant to accept commitments to reduce greenhouse gas emissions, despite being aware of the emergencies raised by the impact of climate change by institutions such as the Intergovernmental Panel on climate change. Although the effects of climate change have attracted the attention of the international community, there are almost no disputes in international judicial and quasi-judicial institutions. The convention on the law of the sea defines marine environmental pollution, thereupon has great potential to provide tools for compensating countries affected by climate change. According to the convention, there is an opportunity to choose the tribunal along with the arbitration method which is the default option. Although the International Court of Justice and the international tribunal for the law of the sea are better options for cases involving multiple defendants, a case arbitral tribunal is more likely to be the only realistic option by default, unless the parties agree to transfer the case to another authority. Such litigation through dispute resolution procedures set out in the Convention on the Law of the Sea can prove the effects of climate change, including species extinction, marine pollution and rising sea levels and prevent from occurring in the future.</p>
How To Cite	Raei Dehaghi, Hajar (2024). Feasibility of Litigation for the Effects of Climate Change on the Marine Environment Under the Law of the Sea Convention. <i>Public Law Studies Quarterly</i> , 54 (2), 1025-1049. OI: https://doi.com/10.22059/JPLSQ.2022.328705.2858
DOI	10.22059/JPLSQ.2022.328705.2858
Publisher	The University of Tehran Press. 



امکان سنجی طرح دعاوی آثار تغییرات اقلیمی بر محیط زیست دریایی در چارچوب کنوانسیون حقوق دریاها

هاجر راعی دهقی[✉]

۱. دانش‌آموخته دکتری حقوق بین‌الملل عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

رایانامه: h_raee@yahoo.com

اطلاعات مقاله	چکیده
<p>نوع مقاله: پژوهشی</p> <p>صفحات: ۱۰۲۵-۱۰۴۹</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۵/۲۰</p> <p>تاریخ بازنگری: ۱۴۰۰/۰۸/۲۴</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۰۸</p> <p>تاریخ انتشار برخط: ۱۴۰۳/۰۴/۰۱</p> <p>کلیدواژه‌ها: تغییر اقلیم، روش‌های حل‌وفصل اختلافات، کنوانسیون حقوق دریاها، محیط زیست دریایی.</p>	<p>دولت‌ها با وجود آگاهی از فوریت‌های مطرح‌شده در خصوص آثار تغییر اقلیم توسط نهادهایی همچون هیأت بین‌الدولی تغییر اقلیم، هنوز از پذیرش تعهدات مربوط به کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای اجتناب می‌ورزند. اگرچه آثار تغییر اقلیم توجه و نگرانی جامعه بین‌المللی را به خود جلب کرده است، تقریباً هیچ دعوی مربوط به آثار تغییر اقلیم در نهادهای قضایی و شبه‌قضایی بین‌المللی وجود ندارد. با توجه به تعریف وسیع کنوانسیون سازمان ملل متحد در خصوص حقوق دریاها از آلودگی محیط زیست دریا، این کنوانسیون پتانسیل بالایی برای ارائه ابزارهایی برای جبران خسارات کشورهای تحت تأثیر تغییر اقلیم از جمله کشورهای در حال توسعه کوچک جزیره‌ای دارد. به موجب کنوانسیون فرصت انتخاب مرجع رسیدگی به‌همراه روش داوری که گزینه پیش‌فرض است، وجود دارد. اگرچه دیوان بین‌المللی دادگستری و دادگاه بین‌المللی حقوق دریاها گزینه بهتری برای پرونده‌های مربوط به آثار تغییر اقلیم همراه با خواندگان متعدد است، احتمال اینکه دیوان داوری موردی، به‌دلیل پیش‌فرض بودن، تنها گزینه واقع‌بینانه باشد بیشتر است، مگر اینکه طرفین به انتقال دعوا به مرجع دیگری توافق کنند. در هر حال، طرح این‌گونه دعاوی به موجب روش‌های حل‌وفصل اختلافات مندرج در کنوانسیون حقوق دریاها می‌تواند آثار تغییر اقلیم بر اقیانوس‌ها از جمله انقراض گونه‌ها، آلودگی دریا و بالا آمدن آب دریاها را اثبات و در آینده از بروز آنها جلوگیری کند.</p>
استناد	<p>راعی دهقی، هاجر (۱۴۰۳). امکان‌سنجی طرح دعاوی آثار تغییرات اقلیمی بر محیط زیست دریایی در چارچوب کنوانسیون حقوق دریاها. <i>مطالعات حقوق عمومی</i>، ۵۴ (۲)، ۱۰۴۹-۱۰۲۵.</p> <p>DOI: https://doi.com/10.22059/JPLSQ.2022.328705.2858</p>
DOI	10.22059/JPLSQ.2022.328705.2858
ناشر	مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.



۱. مقدمه

آثار بالا آمدن آب دریاها و تهدیدهایی که کشورهای ساحلی با ارتفاع کم با آن روبه‌رو هستند، از سال ۱۹۸۰ موضوع مطالعات و تفاسیر گسترده‌ای بوده است. کشورهای در حال توسعه کوچک جزیره‌ای از جمله مالدیو، توالو، جزایر مارشال و کیریباتی با وجود حداقل مسئولیت در انتشار گازهای، به دلیل اندازه کوچک، منابع محدود و پراکندگی جغرافیایی در موقعیت نامساعد برای توسعه پایدار و همچنین در معرض غرق کل یا بخشی از سرزمینشان قرار دارند. البته تنها کشورهای کوچک جزیره‌ای نیستند که از آثار تغییر اقلیم رنج می‌برند، از مرجان‌ها در اقیانوس آرام تا کشورهای ساحلی با ارتفاع کم، قربانیان تغییر اقلیم هستند (Julia Xue, 2013: 567-568).

توافق گسترده‌ای در خصوص نیاز به مقررات و مراجع صالح بین‌المللی به‌عنوان ابزاری برای مقابله با آثار نامطلوب تغییر اقلیم وجود دارد (Peel, 2007: 90). اگرچه با طرح دعوا علیه منتشرکنندگان گازهای گلخانه‌ای، این کشورها در مقابل آسیب‌های وارده به محیط زیست دریایی مسئول تلقی می‌شوند (Vicuña, 1998: 280)، با این حال متأسفانه تلاش‌های بین‌المللی برای ایجاد سازوکارهای پاسخگو در مقابل آثار تغییر اقلیم موفق نبوده است (Weinbaum, 2011: 412). تقریباً هیچ‌گونه دعوایی مربوط به آثار تغییر اقلیم در مراجع و نهادهای قضایی و شبه‌قضایی بین‌المللی وجود ندارد (Verheyen & Zengerling, 2013: 759) و تاکنون برای حل و فصل چنین دعاوی مرجعی بین‌المللی پیش‌بینی نشده است (Okubo, 2013: 744).

ماده ۱۱۴ کنوانسیون تغییرات اقلیمی^۲ به منظور حل و فصل اختلافات ناشی از تعهدات کنوانسیون تغییرات اقلیمی، اقدام به معرفی روش‌هایی کرده که الزامی نیست، بلکه ناشی از خواست و اراده کشورهای عضو کنوانسیون است (Kalas, Herwig, 2000: 64-65). از سوی دیگر سازوکار حل و فصل اختلافات مندرج در پروتکل کیوتو تغییرات چشمگیری نسبت به کنوانسیون تغییرات اقلیمی نداشته است. هیچ مقررۀ مشخصی در کنوانسیون تغییرات اقلیمی و پروتکل کیوتو برای تعیین خسارات ناشی از تغییر اقلیم وجود ندارد. شفاف نبودن این مقررات مانعی برای کشورها جهت طرح دعوا برای خسارات ناشی از تغییر اقلیم است (Takamura, 2013: 666) در توافقنامه پاریس نیز تمامی دولت‌های عضو متعهد به ارائه برنامه مشارکت به صورت متناوب، مشارکت در برنامه‌ها و اقدامات کنترلی نظارت بر پایبندی و همچنین همکاری در سازوکارهای کنترل شفافیت شده‌اند. با این حال در متن توافقنامه پاریس ضمانت

۱. ماده ۱۴. حل اختلافات: ۱. در صورت بروز اختلاف بین دو یا چند عضو در مورد تفسیر یا اجرای کنوانسیون، اعضای مذکور برای حل اختلاف، از طریق مذاکره یا هرگونه روش دوسانه دیگر اقدام خواهند کرد.

2. United Nations Framework Convention on Climate Change (UNFCCC)

اجرائی برای عدم ایفای تعهدات در نظر گرفته نشده و به‌صراحت بر شفاف، غیرخصمانه و غیرتنبیهی بودن سازوکار مذکور تأکید شده است (پیری، ۱۳۹۷: ۸۹۷)

در کنفرانس کشورهای عضو کنوانسیون تغییرات اقلیمی در سال ۲۰۱۹ بر ناکافی بودن اقدامات کاهنده از جمله کمیته اجرایی مکانیسم بین‌المللی ورشو برای (جبران) خسارت‌ها و آسیب‌ها^۱ و به‌تبع ناکافی بودن کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای که آثار تغییر اقلیم را تشدید می‌کند، تأکید شده است (Conference of the Parties, 2019: 2). در این کنفرانس همچنین بر نقش مهم اقیانوس‌ها به‌ویژه به‌عنوان بخش جدایی‌ناپذیر سیستم اقلیم زمین تأکید شده است (Conference of the Parties, 2019-2020: 2-4). با توجه به عدم کاهش آثار تغییر اقلیم از طریق رژیم تغییرات اقلیمی، ارتباط میان تغییر اقلیم و تعهدات دولت‌ها به موجب رژیم‌های موجود دیگر از اهمیت زیادی برخوردار است (Doelle, 2006: 4). کنوانسیون حقوق دریاها چارچوب مشخصی از تعهدات را برای کشورها از جمله حفاظت از محیط زیست دریایی، ارائه تمام اقدامات لازم برای جلوگیری، کاهش و کنترل آلودگی از همه منابع که بی‌شک شامل انتشار بیش‌ازحد گازهای گلخانه‌ای به‌ویژه در رابطه با اکوسیستم‌های شکننده، زیستگاه‌ها و گونه‌های در خطر انقراض، فراهم می‌کند (Oral, 2021: 34). همچنین ارتباط علمی میان تغییر اقلیم و محیط زیست دریا شناسایی شده و در مطالعات هیأت بین‌الدولی تغییرات اقلیمی مورد توجه قرار گرفته است. از این رو یکی از روش‌هایی بااهمیت برای حل‌وفصل این‌گونه دعاوی، روش‌های اجباری حل‌وفصل اختلافات موجود در کنوانسیون حقوق دریاهاست، زیرا بسیاری از کشورهای تولیدکننده عمده گازهای گلخانه‌ای به این کنوانسیون پیوسته‌اند.

۲. صلاحیت مراجع حل‌وفصل اختلاف کنوانسیون حقوق دریاها برای رسیدگی به دعاوی ناشی از آثار تغییر اقلیم

ماده ۲۸۸ کنوانسیون حقوق دریاها مقرر کرده است: «دادگاه یا دیوان اشاره‌شده^۲ در ماده ۲۸۷ باید در خصوص دعاوی مربوط به تفسیر و اجرای این کنوانسیون صلاحیت داشته باشند». بدان معنی که نهادهای حل‌وفصل اختلافات تنها می‌توانند به دعاوی مربوط به کنوانسیون حقوق دریاها، رسیدگی کنند. از آنجا که

1. Executive Committee of the Warsaw International Mechanism for Loss And Damage

کمیته مذکور در نوزدهمین کنفرانس اعضا در نوامبر ۲۰۱۳، به‌منظور ارائه گزارش سالانه به کنفرانس کشورهای عضو تشکیل شد.

۲. دیوان بین‌المللی حقوق دریاها، دیوان بین‌المللی دادگستری، دیوان داوری تشکیل‌شده مطابق با پیوست ۷، دیوان داوری ویژه تشکیل‌شده مطابق با پیوست ۸.

تغییر اقلیم به صراحت در کنوانسیون حقوق دریاها ذکر نشده، بررسی این امر که چنین مراجعی صلاحیت رسیدگی به تعهدات کشورها در کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای از منظر کنوانسیون حقوق دریاها را دارند، لازم است. مواردی از جمله قانون عام و قانون خاص یا رژیم‌های خودبسنده مانع از آن نیست که روش‌های حل و فصل اختلاف کنوانسیون حقوق دریاها تا جایی که تغییر اقلیم حقوق مندرج در این کنوانسیون را نقض کرده است، اعمال شود. همچنین حقوق تغییر اقلیم الزامات یک رژیم حقوقی مستقل و خودبسنده را برآورده نمی‌کند که مانع از اجرای روش‌های حل و فصل اختلافات کنوانسیون حقوق دریاها شود. معقول است که آلودگی‌های ناشی از انتشار گازهای گلخانه‌ای در تعریف آلودگی محیط زیست دریا مندرج در ماده (۴) کنوانسیون حقوق دریاها گنجانده شود. می‌توان نتیجه گرفت که دولت‌های عضو کنوانسیون حقوق دریاها به دلیل شکست در کاهش آثار تغییر اقلیم و انتشار گازهای گلخانه‌ای مسئولیت دارند، چراکه میان تغییر اقلیم، آلودگی دریا و تعهدات مذکور رابطه مستقیمی وجود دارد.

در پرونده آفریقای جنوبی، دیوان بین‌المللی دادگستری این امر را به رسمیت شناخت که دولت‌ها برای عملی که در خارج از سرزمین آنها اتفاق می‌افتد، اگر اثبات کنند که دارای منافع حقوقی‌اند، می‌توانند اقدام به طرح دعوا کنند. (ICJ, 1966: Para.6-34) پرونده مربوط به آزمایش‌های هسته‌ای نیز در این زمینه مرتبط است. در این پرونده استرالیا و نیوزلند ادعا کردند به دلیل اتم‌های رادیواکتیو پس از آزمایش فرانسه در دریای مورورا بیش از ۴۶ هزار کیلومتر از سرزمین‌های مربوط به آنها آسیب دیده و دارای منافع قانونی در این زمینه هستند (ICJ, 1973: Para. 99-135). در پرونده ماکس پلانک نیز هرچند انگلستان انکار می‌کرد تأسیس کارخانه تولید سوخت هسته‌ای خطرهای زیست‌محیطی برای ایرلند ایجاد کرده (ITLOS, 2001: 97-99) اما تأیید کرد که ایرلند دارای منافع قانونی مربوط به چنین رفتارهایی است (Cámara, Stougaard-Andresen, 2011: 51). در نتیجه یک دولت عضو کنوانسیون حقوق دریاها می‌تواند ادعا کند که خسارات ناشی از انتشار گازهای گلخانه‌ای بر محیط زیست دریایی به نقض تعهدات مندرج در کنوانسیون حقوق دریاها، صرف‌نظر از حقوق مستقل کشورها جهت بهره‌برداری از منابع طبیعی خود منجر شده است. این نتیجه‌گیری می‌تواند ثابت کند که دیوان بین‌المللی دادگستری و دیگر مراجع بین‌المللی به موجب کنوانسیون حقوق دریاها صلاحیت رسیدگی به دعاوی را که در آنها دولت خواهان در سطوح مختلف از بالا آمدن آب دریاها، گرم شدن یا اسیدی شدن آب‌ها رنج می‌برد، دارند.

۳. آثار تغییر اقلیم از منظر کنوانسیون حقوق دریاها

نحوه برخورد دولت‌ها با آسیب‌های وارده بر اقیانوس‌ها، آزمون قاطع توانایی انسان برای استفاده پایدار از محیط زیست دریایی در آینده خواهد بود و شکست کشورهای عمده منتشرکننده گازهای گلخانه‌ای در

کاهش آثار تغییر اقلیم، طرح دعا در این زمینه را اجتناب‌ناپذیر می‌سازد (Burns, 2007: 21). با تسری تعهدات مربوط به حمایت و حفاظت از محیط زیست دریایی کنوانسیون حقوق دریاها به آثار تغییر اقلیم می‌توان مقررات بخش پانزدهم کنوانسیون را نسبت به کشورهای تولیدکننده عمده گازهای گلخانه‌ای که عضو این کنوانسیون هستند، به اجرا گذاشت. یک پرونده مربوط به آثار تغییر اقلیم در حقیقت یک دعوی مربوط به تفسیر و اجرای کنوانسیون حقوق دریاهاست. آثار تغییر اقلیم بر محیط زیست دریایی و اقیانوس‌ها، تحت شمول هر دو کنوانسیون تغییر اقلیم و حقوق دریاهاست. هیچ‌گونه صلاحیت اجباری برای حل و فصل اختلافات به موجب کنوانسیون تغییر اقلیم وجود ندارد، بنابراین سیستم حل و فصل اختلافات کنوانسیون حقوق دریاها در مقایسه با کنوانسیون تغییر اقلیم جذاب‌تر و کارآمدتر است. با انتشار گازهای گلخانه‌ای و با ارجاع به تعهدات مندرج در موافقت‌نامه پاریس می‌توان ادعا کرد که بخش دوازدهم کنوانسیون حقوق دریاها نقض شده است و در نتیجه مراجع حل و فصل اختلاف مندرج در کنوانسیون صلاحیت تفسیر و اجرای کنوانسیون را مطابق با دیگر اسناد دارند. در این زمینه باید دو مسئله مدنظر قرار گیرد: اول نیاز به اثبات اینکه اختلافی وجود دارد و دوم آنکه آیا باید علیه تمامی صادرکنندگان گازهای گلخانه‌ای طرح دعا کرد؟ این مسائل در سال ۲۰۱۴ با طرح پرونده‌ای به ابتکار جزایر مارشال نزد دیوان بین‌المللی دادگستری مطرح شد، جایی که دیوان به این نتیجه رسید که هیچ‌گونه اختلافی میان دولت‌ها قبل از طرح دعا وجود نداشته است (Boyle, 2018: 21-22).

در این زمینه، ارتباط بین کنوانسیون حقوق دریاها و موافقت‌نامه پاریس و این امر که چگونه این موافقت‌نامه می‌تواند در قالب بخش دوازدهم کنوانسیون حقوق دریاها بازخوانی شود، شایان توجه است. سؤال اساسی این است که تعهدات موجود در موافقت‌نامه اقلیم تعهد به رفتار است یا تعهد به نتیجه؟ و این تعهدات چگونه در چارچوب کنوانسیون حقوق دریاها تفسیر شود؟ توافق شده که تعهدات موجود در کنوانسیون حقوق دریاها تعهد به رفتار است و درحالی‌که تعهدات موجود در موافقت‌نامه پاریس مبتنی بر تعهد به نتیجه است، موافقت‌نامه پاریس یک رویکرد بالا به پایین مبتنی بر مشارکت ملی دارد. تعهدات موجود در موافقت‌نامه پاریس آماده‌سازی و مشارکت ملی تعیین شده و دستیابی به اهداف آن است نه دستیابی به هدف درجه حرارت. شناسایی استاندارد مراقبت^۱ در خصوص کنوانسیون حقوق دریاها و موافقت‌نامه پاریس امری ضروری است. به نظر می‌رسد استاندارد، مراقبت معقول و مناسب است (Lyons, 2018: 19-20).

مواد ۲ و ۴(۲) کنوانسیون تغییرات اقلیمی کشورهای عضو ضمیمه اول را ملزم می‌داند تا سیاست‌ها و اقداماتی را به منظور تثبیت غلظت گازهای گلخانه‌ای انجام دهند تا به سطحی برسد که مانع از دخالت

1. standard of care

خطرناک انسان در سیستم آب‌وهوایی شود. این امر می‌تواند به تعهدات موجود در کنوانسیون حقوق دریاها مربوط به آثار احتمالی تغییر اقلیم بر اکوسیستم‌ها، ماهیگیری و توسعه اقتصادی کشورهای در حال توسعه مرتبط باشد. یک عضو کنوانسیون حقوق دریاها می‌تواند استدلال کند که طرف‌هایی که به تعهدات خود به موجب مقررات کنوانسیون تغییرات اقلیمی عمل نکرده‌اند، برای نقض تعهدات خود به موجب مواد ۲۳۵ و ۱۹۷ کنوانسیون حقوق دریاها مسئول هستند. با چنین استدلال مشابهی اگر برخی اعضای پروتکل کیوتو یا موافقت‌نامه پاریس به تعهدات خود عمل نکنند، باید مسئول شناخته شوند. همچنین می‌توان این مسئله را مطرح کرد که کشورهای تولیدکننده گازهای گلخانه‌ای در اجرای قواعد و استانداردهای بین‌المللی در زمینه جلوگیری، کاهش و کنترل آلودگی محیط زیست دریا از منابع واقع در خشکی به موجب ماده ۲۱۳ کنوانسیون حقوق دریاها^۲ چه تعهداتی دارند. بدیهی است که کنوانسیون تغییرات اقلیمی و گزارش‌های جامع هیأت بین‌الدولی تغییر اقلیم تمام دولت‌ها را نسبت به تهدیدات اقلیمی آگاه ساخته و به‌ویژه آثار احتمالی آن بر محیط زیست دریا شناسایی شده است. این دولت‌ها در اجرای تعهدات خود به موجب ماده ۲۱۳ در خصوص مطابقت استانداردهای جهانی مورد قبول در خصوص انتشار کربن و دیگر استانداردهای جهانی زیست‌محیطی مورد قبول از جمله قاعده عدم آسیب‌رسانی، موفق نبوده‌اند (Osofsky, 2005: 1789). امتیاز کشورهای تحت تأثیر آثار تغییر اقلیم به‌خصوص کشورهای کم‌ارتفاع ساحلی برای طرح دعاوی مربوط به آثار تغییر اقلیم علیه تولیدکنندگان اصلی گازهای گلخانه‌ای زمانی بیشتر خواهد شد که ایالات متحده آمریکا به کنوانسیون حقوق دریاها بپیوندد.

می‌توان قائل به سه نوع دعاوی احتمالی در خصوص آثار تغییر اقلیم در زمینه حقوق بین‌الملل دریاها بود: ۱. عدم رعایت تعهدات کنوانسیون حقوق دریاها در خصوص کنترل آلودگی، ۲. عدم همکاری لازم در زمینه اجرای کنوانسیون حقوق دریاها و ۳. خسارت به یک کشور ساحلی از طریق نقض تعهدات

۱. ماده ۲۳۵: کشورها برای اجرای تعهدات بین‌المللی خود در مورد حمایت و حفاظت محیط زیست دریا مسئول هستند. مسئولیت آنها مطابق با حقوق بین‌الملل خواهد بود....

ماده ۱۹۷: کشورها بر یک اساس جهانی، و در مواقع مقتضی بر یک اساس منطقه‌ای، مستقیماً یا از طریق سازمان‌های بین‌المللی صلاحیت‌دار، در تنظیم و تبیین قواعد، استانداردها و روش‌های توصیه‌شده بین‌المللی منطبق با این کنوانسیون، برای حمایت و حفاظت از محیط زیست دریا، با در نظر گرفتن خصوصیات و ویژگی‌های منطقه‌ای، با یکدیگر همکاری خواهند کرد.

۲. ماده ۲۱۳: کشورها قوانین و مقررات مصوب خود در انطباق با ماده ۲۰۷ را اجرا خواهند کرد، و قوانین و مقررات لازم را وضع خواهند کرد و سایر اقدامات لازم برای اجرای قواعد و استانداردهای بین‌المللی قابل اعمال مقررشده از طریق سازمان‌های بین‌المللی صلاحیت‌دار یا کنفرانس‌های دیپلماتیک برای جلوگیری، کاهش و کنترل آلودگی محیط زیست از منابع واقع در خشکی را به عمل خواهند آورد.

کنوانسیون حقوق دریاها. کاملاً آشکار است که انتشار مستقیم دی‌اکسید کربن به‌عنوان یک ماده در اقیانوس و عملکرد آن به‌عنوان انرژی که به افزایش دما منجر می‌شود، مشمول تعریف آلودگی مندرج در ماده ۱ کنوانسیون حقوق دریاها می‌شود (Boyle, 2018: 21). در این زمینه می‌توان تعهدات مربوطه در کنوانسیون حقوق دریاها از جمله مواد ۱۹۴، ۱۹۲، ۲۰۷ و ۲۱۲ را خاطر نشان ساخت. مواد ۲۰۷ و ۲۱۲ کشورها را ملزم می‌کند تا قوانین و مقررات لازم برای جلوگیری، کاهش و کنترل آلودگی تصویب کنند و قواعد، استانداردها، عملکرد و رویه‌های پذیرفته‌شده بین‌المللی را در نظر بگیرند. در زمینه تغییر اقلیم، قواعد و استانداردهای پذیرفته‌شده بین‌المللی در موافقت‌نامه پاریس ذکر شده و بنابراین کنوانسیون حقوق دریاها دولت‌ها را ملزم می‌دارد تا از موافقت‌نامه پاریس تبعیت کنند. وظیفه اساسی همکاری را نیز می‌توان با توجه به موافقت‌نامه پاریس تفسیر کرد، بنابراین اعضای کنوانسیون حقوق دریاها باید برای پیاده‌سازی موافقت‌نامه پاریس همکاری لازم را به‌عمل آورند.

۴. روش‌های حل‌وفصل دعوا به‌موجب کنوانسیون حقوق دریاها از منظر آثار تغییر اقلیم

هریک از طرفین کنوانسیون حقوق دریاها می‌توانند یک روش حل‌وفصل لازم‌الاجرا را علیه کشور عضو دیگر کنوانسیون آغاز کند. انتخاب روش به عواملی از جمله اعلامیه‌هایی که توسط طرفین به موجب ماده ۲۸۷(۱) کنوانسیون در مورد اینکه کدام روش قابل قبول است، صادر شده، بستگی دارد که عبارت‌اند از: دادگاه بین‌المللی حقوق دریاها مقرر در ضمیمه ششم، دیوان بین‌المللی دادگستری، یک دیوان داوری که به موجب کنوانسیون حقوق دریاها ایجاد شده است. ضمیمه هفتم و یک دیوان داوری ویژه که به موجب ضمیمه هشتم کنوانسیون حقوق دریاها تأسیس شده است.^۱

از ۱۶۸ کشوری که تا ژوئیه ۲۰۲۱ به کنوانسیون حقوق دریاها پیوسته‌اند، تنها ۶۴ دولت مطابق ماده ۲۸۷ اعلامیه صادر کرده‌اند <http://www.un.org> (۲۰۲۱). این اعلامیه‌ها در شکل و محتوا متفاوت‌اند، اما مهم‌ترین نکته آن است که هنوز قسمت اعظمی از دولت‌های عضو این کنوانسیون اولویت خود را برای حل‌وفصل اختلافات بیان نکرده‌اند. بدین معنا که اگر یک دولت عضو کنوانسیون حقوق دریاها دعوایی را علیه یک یا چند دولت عضو مطرح سازد، یک دیوان داوری طبق ضمیمه هفتم کنوانسیون محتمل‌ترین نهاد برای حل‌وفصل دعواست.

در بین کشورهای عمده منتشرکننده گازهای گلخانه‌ای کشورهای استرالیا، آلمان، ایتالیا و اسپانیا با صدور اعلامیه بر اساس ماده ۲۸۷، صلاحیت دادگاه بین‌المللی حقوق دریاها و دیوان بین‌المللی دادگستری را پذیرفته‌اند. کانادا نیز صلاحیت دادگاه بین‌المللی حقوق دریاها را پذیرفته است. درحالی‌که

1. UNCLOS. Article 286, 287(1) (c), (d).

چین، فرانسه، کره جنوبی، عربستان روشی را برای حل و فصل اختلافات خود انتخاب نکرده‌اند و روش داوری مطابق با پیوست ۷ برای حل و فصل اختلافات آنها محتمل خواهد بود. روسیه صلاحیت دادگاه بین‌المللی حقوق دریاهای را تنها در آزادی سریع کشتی‌ها پذیرفته و در اعلامیه خود روش دیوان داوری تشکیل شده مطابق با پیوست ۸ را برای حل و فصل اختلافات مربوط به حمایت و حفاظت از محیط زیست دریایی خود، همچنین روش دیوان داوری تشکیل شده مطابق با پیوست ۷ را برای حل و فصل اختلافات خود پذیرفته است. انگلستان نیز روش دیوان بین‌المللی دادگستری را پذیرفته است <https://www.un.org/> (2020). در ادامه به بررسی روش‌های مذکور پرداخته می‌شود.

۱.۴. دادگاه بین‌المللی حقوق دریاهای

از ۱۶۸ کشور عضو کنوانسیون حقوق دریاهای تا ژوئیه ۲۰۲۱، تنها ۴۰ کشور صلاحیت دادگاه بین‌المللی حقوق دریاهای را برای رسیدگی به اختلافات ناشی از این کنوانسیون پذیرفته‌اند. در این میان کشورهای همچون استرالیا، کانادا، آلمان، ایتالیا و مکزیک صلاحیت دادگاه را برای حل و فصل اختلافات خود پذیرفته‌اند و این امر محتمل است که کشورهای ساحلی تحت تأثیر تغییر اقلیم دعاوی مربوط به آثار تغییر اقلیم را علیه کشورهای تولیدکننده گازهای گلخانه‌ای نزد دادگاه مطرح سازند.

صلاحیت دادگاه بین‌المللی حقوق دریاهای در ماده ۲۸۸ کنوانسیون و مواد ۲۱ و ۲۲ اساسنامه دادگاه مقرر شده است (تاناکا، ۱۳۹۵: ۶۳۲). انتشار گازهای گلخانه‌ای و آثار آن بر محیط زیست دریایی کشورهای ساحلی نیز مصداق اختلاف راجع به تفسیر و اجرای کنوانسیون است و از این رو دادگاه صلاحیت رسیدگی به چنین دعاوی را دارد. دادگاه تاکنون به پرونده‌ای در زمینه تغییر اقلیم رسیدگی نکرده است. با وجود این بیش از نیمی از پرونده‌هایی که از سال ۱۹۹۶ به آنها رسیدگی کرده، به نوعی به حفاظت از محیط زیست مرتبط است. با توجه به اینکه تغییر اقلیم آثار زیادی بر دریاهای و حقوق کشورهای ساحلی دارد، دادگاه بین‌المللی حقوق دریاهای ممکن است در موقعیتی قرار گیرد که بتواند به تفسیر و توسعه بیشتر حقوق حاکم بر تغییر اقلیم کمک کند (Alan Boyle, 2012: 832).

دادگاه بین‌المللی حقوق دریاهای به دعاوی ناشی از تفسیر و اجرای کنوانسیون حقوق دریاهای و موافقت‌نامه‌های بعدی رسیدگی می‌کند. بخش دوازدهم از کنوانسیون حقوق دریاهای به‌طور خاص به حفاظت و حمایت از محیط زیست دریا می‌پردازد، که در حال حاضر بیش از ۱۰ موافقت‌نامه چندجانبه به تصویب رسیده است که به دادگاه بین‌المللی حقوق دریاهای در این زمینه اعطای صلاحیت کرده‌اند.^۱ برای مثال موافقت‌نامه ماهیان مهاجر سازمان ملل متحد^۲ می‌تواند به دعاوی آینده در خصوص آثار تغییر اقلیم

1. UNCLOS. Article 288(1), (2), Articles 21 and 22 of the ITLOS Statute.

2. Agreement for the Implementation of the Provisions of the United Nations Convention on the Law

مرتبط باشد. با توجه به آثار تغییر اقلیم بر ماهیان دوکاشانه‌ای و بسیار مهاجر، موافقت‌نامه ماهیان دوکاشانه‌ای سازمان ملل متحد به‌طور خاص در این زمینه مرتبط است، دولت‌های عضو توافق کرده‌اند که تدابیر لازم برای حفاظت و مراقبت درازمدت از منابع ماهی دوکاشانه‌ای و بسیار مهاجر اتخاذ کنند. بنابراین یک دولت عضو می‌تواند استدلال کند که سیاست تغییر اقلیم یک کشور عضو تهدیدی برای حفاظت و استفاده پایدار از ذخایر ماهیان دوکاشانه‌ای بسیار مهاجر است (Preston, 2010). این موافقت‌نامه روش‌های اجباری حل‌وفصل اختلافات موجود در کنوانسیون حقوق دریاها را در خود ادغام کرده است و چارچوبی برای حفاظت از گونه‌های خاص فراهم می‌کند. اگر اثبات شود که انتشار گازهای گلخانه‌ای برای این‌گونه ماهی‌ها خطرآفرین است، مقررات حمایتی مندرج در این موافقت‌نامه قابلیت آن را دارد تا آزادانه تفسیر شود و گرمایش جهانی و بالا آمدن آب دریاها را در برگیرد.

در میان شعب ویژه دادگاه بین‌المللی حقوق دریاها شعبه حل‌وفصل دعاوی محیط زیست دریا و شعبه حل‌وفصل دعاوی ماهیگیری از اهمیت برخوردار است. تاکنون هیچ پرونده‌ای در زمینه تغییر اقلیم به این شعب ارجاع نشده است. با این حال این شعب به دلیل آثار مستقیم تغییر اقلیم بر ماهیگیری و محیط زیست دریایی ظرفیت زیادی برای رسیدگی به دعاوی آینده در این زمینه دارند.

در خصوص آثار تغییر اقلیم، اولین و تنها نظر مشورتی صادرشده توسط شعبه دعاوی بستر دریاها دادگاه می‌تواند به‌عنوان مرتبط‌ترین رأی در این زمینه در نظر گرفته شود. شعبه به موجب این نظریه معتقد است مهم‌ترین تعهدات مستقیم دولت‌های سرمایه‌گذار در فعالیت‌های اکتشافی و بهره‌برداری عبارت‌اند از: تعهد به کمک‌رسانی به کارگزار در اجرا و کنترل فعالیت‌ها در منطقه، تعهد به اجرای رویکرد محتاطانه، تعهد به اجرای بهترین شیوه‌های محیط زیستی، تعهد به انجام اقداماتی برای تضمین مقررات در زمینه دستورهای ضروری کارگزار برای حمایت از محیط زیست دریا، تعهد به اطمینان برای دسترسی به غرامت برای خسارت‌های ناشی از آلودگی و تعهد به ارزیابی آثار زیست‌محیطی. در این نظر مشورتی، شعبه رویکرد احتیاطی را به‌عنوان بخشی از تعهد به اتخاذ رویکرد احتیاطی برای دولت‌های سرمایه‌گذار در نظر گرفته و اعلام می‌کند که رویکرد احتیاطی در شمار فزاینده‌ای از معاهدات بین‌المللی و دیگر ابزارها، در نظر گرفته شده است. همچنین تأکید دارد که تعهد به ارزیابی آثار زیست‌محیطی یک تعهد مستقیم به موجب کنوانسیون و یک تعهد عام به موجب حقوق بین‌المللی عرفی است-133-121.132 (ITLOS, 2011: Para.135).

در این پرونده شعبه به تفسیر حقوق بین‌الملل محیط زیست عرفی پرداخته است. از این تفاسیر می‌توان در دعاوی مربوط به آثار تغییر اقلیم بر محیط زیست دریایی استفاده کرد. با توجه به نیاز به

کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای، رویه قضایی دادگاه بین‌المللی حقوق دریاها می‌تواند زمینه را برای تفسیر کنوانسیون حقوق دریاها و استخراج تعهد به جلوگیری از آلودگی فراهم کند.

۹ پرونده از ۲۷ پرونده‌ای که دادگاه بین‌المللی حقوق دریاها رسیدگی کرده است، پرونده‌های مربوط به آزادسازی سریع کشتی هستند. در این دعاوی امکان ادعای نقض تعهدات زیست‌محیطی مندرج در کنوانسیون حقوق دریاها نیز وجود داشت (Verheyen & Zengerling, 2013: 787). در چهار مورد از هشت مورد پرونده‌های دستور موقت، دادگاه بین‌المللی حقوق دریاها اقدامات موقت را با توجه به حفاظت از محیط زیست دریا تأیید کرده است. قوی‌ترین ادبیات در این زمینه پرونده ماهی تن باله‌آبی است. در این پرونده دادگاه اقدامات موقتی را به موجب ماده ۲۹۰ (۱) کنوانسیون حقوق دریاها برای جلوگیری از آسیب جدی به محیط زیست دریا اتخاذ کرد و به ژاپن دستور داد تا از انجام برنامه ماهیگیری که شامل صید ماهی تن باله‌آبی است، جلوگیری کند (ITLOS, 1999). دادگاه از ادبیات اصل پیشگیرانه بدون اشاره به این عبارت استفاده کرده است.

پرونده‌های ذکر شده هیچ ارتباطی به تغییر اقلیم یا آثار آن ندارد. با این حال رژیم حقوق دریاها این ظرفیت را دارد تا مقررات لازم برای حمایت از دولت‌های تحت تأثیر را فراهم کند (Tol & Verheyen, 2004: 1110). کنوانسیون حقوق دریاها قواعد مهمی برای حل مسائل ناشی از تغییر اقلیم از جمله بالا آمدن آب دریاها، گرم شدن و اسیدی شدن اقیانوس‌ها دارد، قواعدی که توسط مجموعه‌ای از اسناد دیگر تکمیل شده و نباید به تنهایی مورد ملاحظه قرار گیرند. مقررات کلیدی در این زمینه تعهدات عمومی مندرج در مواد ۱۹۲، ۱۹۴ و تعریف آلودگی دریایی مندرج در بند ۴ ماده ۱ است. تغییر اقلیم به‌وضوح به آلودگی محیط زیست دریا منجر می‌شود و تعهدات موجود در بخش دوازدهم کنوانسیون حقوق دریاها باید در پرتو قواعد و استانداردهایی که خارج از این کنوانسیون تدوین شده است، تفسیر شود. منبع مستقل در خصوص آلودگی از طریق اتمسفر موضوع ماده ۲۱۲ کنوانسیون حقوق دریاها، تعهدات پذیرفته‌شده در کنوانسیون تغییرات اقلیمی و موافقت‌نامه پاریس است. بنابراین تبعیت از کنوانسیون تغییرات اقلیمی و موافقت‌نامه پاریس برای تفسیر و اجرای ماده ۲۱۲ مرتبط و مناسب است. دولت‌ها هم در این خصوص تعهد به فعل و هم تعهد به نتیجه دارند. به عبارت دیگر هرچند تعهد به «مشارکت به‌صورت ملی، تعیین شده»^۱ به موجب موافقت‌نامه پاریس تعهد به فعل است، اما هدف «تثبیت دما» از موارد تعهد به نتیجه است. به این ترتیب تعیین سهم «مشارکت ملی» مؤثر و متابعت از آن برای کشورهای عضو کنوانسیون حقوق دریاها به یک تعهد مستقیم تبدیل می‌شود (Redgwell, 2018: 22-23).

1. nationally determined contribution

۲.۴. دیوان بین‌المللی دادگستری

کنوانسیون حقوق دریاها به موجب ماده ۲۸۷ زمینه را برای حل و فصل اختلافات ناشی از آثار تغییر اقلیم نزد دیوان بین‌المللی دادگستری فراهم می‌کند. با این حال تاکنون هیچ پرونده‌ای در خصوص آثار تغییر اقلیم به دیوان ارجاع نشده است. دیوان بین‌المللی دادگستری به‌عنوان ارگان قضایی اصلی سازمان ملل متحد در چندین پرونده در خصوص مسائل زیست‌محیطی رسیدگی کرده است، از این‌رو می‌تواند نقش اساسی در آینده دعاوی مربوط به آثار تغییر اقلیم داشته باشد (Verheyen & Zengerling, 2013: 777).

از ۱۶۸ کشور عضو کنوانسیون حقوق دریاها تا ژوئیه ۲۰۲۱، ۳۰ کشور به موجب اعلامیه ماده ۲۸۷ کنوانسیون صلاحیت دیوان بین‌المللی دادگستری را برای رسیدگی به اختلافات ناشی از این کنوانسیون پذیرفته‌اند. در این میان نام کشورهای منتشرکننده گازهای گلخانه‌ای همچون انگلیس، اسپانیا، مکزیک، ایتالیا، آلمان و استرالیا دیده می‌شود و این احتمال را تقویت می‌کند که دیوان در آینده به دعاوی کشورهای جزیره‌ای و ساحلی علیه چین کشورهای در خصوص آثار تغییر اقلیم رسیدگی کند.

ممکن است دیوان در رسیدگی‌های ترافی و مشورتی خود با مسائل مربوط به آثار تغییر اقلیم مواجه شود. به موجب بند ۱ ماده ۲۸۷ کنوانسیون حقوق دریاها دولت‌های عضو می‌توانند دیوان بین‌المللی دادگستری را به‌عنوان مرجع صالح برای حل و فصل اختلافات خود انتخاب کنند. ماده ۱۴(۲)(ال) کنوانسیون تغییرات اقلیمی و ماده ۱۹ پروتکل کیوتو نیز صلاحیت دیوان بین‌المللی دادگستری را به‌صورت کاملاً اختیاری پیش‌بینی کرده‌اند، که به‌ندرت این صلاحیت پذیرفته شده است. علاوه‌بر این دولت‌ها می‌توانند در هر زمانی اعلام کنند که صلاحیت اجباری دیوان بین‌المللی دادگستری را می‌پذیرند. تاکنون ۶۹ کشور به موجب ماده ۳۶(۲) اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری به صلاحیت اجباری دیوان، که اغلب با محدودیت‌های خاصی همراه است، پیوسته‌اند.^۲

پرونده‌های زیست‌محیطی مطرح‌شده نزد دیوان بین‌المللی دادگستری اندک است. با این حال این پرونده‌ها به توسعه اصول خاصی که ممکن است در دادرسی‌های مربوط به تغییرات اقلیمی اعمال شود، کمک می‌کند. در سال ۱۹۲۹ دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی از قاعده منافع جامعه بین‌المللی برای دسترسی مشترک به رودخانه‌های بین‌المللی حمایت کرد (PCIJ, 1929). از آنجایی که اتمسفر یک منبع مشترک و مشاع است، می‌توان از برخی اصول ایجادشده برای کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای و

۱. برای مثال کوبا به‌صراحت صلاحیت اجباری دیوان را به‌شرط آنکه طرف مقابل نیز پذیرفته باشد، پذیرفته است.

۲. http://unfccc.int/essential_background/convention/items/5410.php آخرین تاریخ دسترسی ۲۲ می ۲۰۱۸.

۳. اعلامیه‌های شناسایی صلاحیت اجباری دیوان بین‌المللی دادگستری را در <http://www.icj-cij.org> مشاهده کنید.

آخرین تاریخ دسترسی ۲۲ می ۲۰۱۸.

آثار تغییر اقلیم استفاده کرد (Verheyen & Zengerling, 2013: 779). در پرونده کانال کورفو نیز دیوان مقرر کرد که هر دولتی وظیفه دارد، اجازه ندهد سرزمینش برای اعمال غیرقانونی استفاده شود، ICJ (1949: Para 22) که تأیید همان قاعده عدم آسیب‌رسانی است. یک کشور تحت تأثیر تغییر اقلیم از جمله بیشتر کشورهای جزیره‌ای کوچک در حال توسعه می‌تواند استدلال کنند که حق حاکمیت برای بهره‌برداری از منابع کربن و هیدروکربن‌ها به استناد ماده ۱۹۳ کنوانسیون حقوق دریاها نمی‌تواند از تعهد برای حمایت و حفاظت از محیط زیست دریا جدا تلقی شود و یک کشور با انتشار گازهای گلخانه‌ای، مواد ۱۹۳ و ۱۹۴ (۲) کنوانسیون را نقض کرده است. چنین دولتی از حقوقی برخوردار است، اما در عین حال وظایف خود از جمله اصل عدم آسیب‌رسانی به محیط زیست دریا را نادیده گرفته و مطابق با ماده ۲۳۵ کنوانسیون باید پاسخگو باشد. همچنین در پرونده بارسلونا تراکشن اصل تعهدات عام‌الشمول با این عبارت به رسمیت شناخته شده است (ICJ, 1970: Para. 32). واضح است که حفاظت از سیستم اقلیم جهانی به نفع جامعه انسانی است و می‌توان استدلال کرد که با توجه به پذیرش جهانی کنوانسیون تغییرات اقلیمی محدود کردن انتشار گازهای گلخانه‌ای در جو، یک تعهد عام‌الشمول است.

در پرونده کابچیکو-ناگیماروس دیوان بین‌المللی دادگستری با توجه به مسائل زیست‌محیطی اعلام کرد: «نیاز به انطباق توسعه اقتصادی با حفاظت از محیط زیست، به‌درستی در مفهوم توسعه پایدار بیان شده است. طرفین باید نگاه جدیدی بر آثار زیست‌محیطی بهره‌برداری از نیروگاه کابچیکو داشته باشند. به‌ویژه باید استفاده رضایت‌بخشی از حجم آب موجود در بستر قدیمی دانوب و سواحل رودخانه داشته باشند» (ICJ, 1997: Para. 75). آثار تغییر اقلیم بر اقیانوس‌ها نیز بر توانایی جامعه بشری بر دستیابی به توسعه پایدار نتایج محسوسی دارد. تغییر اقلیم توانایی اکوسیستم‌های دریایی را برای حمایت از تنوع زیستی و زیستگاه‌ها تحت تأثیر قرار داده است. به‌طور کلی آثار تغییر اقلیم بر اقیانوس‌ها بر شانس دستیابی به اهداف توسعه پایدار و حفظ منافع آنها تأثیر منفی خواهد گذاشت (IPCC, 2019: 518-520).

در پرونده پالپ میلز در خصوص رود اروگوئه، دیوان بین‌المللی دادگستری برای اولین بار مسائل زیست‌محیطی را به‌نحوی نسبتاً دقیق مورد توجه قرار داده و تمایل خود را به سمت استدلالات زیست‌محیطی نشان داد. درحالی‌که این پرونده به حقوق محیط زیست می‌پردازد، در موارد اندکی به مسئله حفاظت از اقلیم پرداخته است. با این حال اگر یک پرونده اقلیمی در دیوان مطرح شود، دیوان باید از مشاوره متخصصان اقلیمی استفاده کند (ICJ, 2010: Para. 782).

در سطح بین‌المللی حقوقدانان به هیچ پرونده‌ای در مورد اختلافات مرزی ناشی از تغییرات خطوط ساحلی یا تغییر نقاط پایه اشاره نکرده‌اند. با این حال دیوان در خصوص تحدید حدود مناطق دریایی میان کشورهای مجاور و متقابل در موارد بسیاری اقدام به صدور رأی کرده و شرایط منصفانه را به‌عنوان قاعده عرفی حقوق بین‌الملل پذیرفته است. برای مثال دیوان در پرونده فلات قاره دریای شمال اظهار کرد: «در

حقیقت، هیچ محدودیت قانونی جهت اطمینان کشورها برای اعمال روش‌های منصفانه وجود ندارد» (ICJ, 1969: para. 93). در دهه ۱۹۸۰، دیوان بین‌المللی دادگستری این رویکرد را در آرای سه‌گانه خود تأیید کرد و در همه آنها بر نقش انصاف تأکید شده است.^۱ در اختلافات مرزی دریایی نیکاراگوئه علیه هندوراس، دیوان با توجه به ماهیت بسیار ناپایدار دهانه رودخانه کوکو در مرز نیکاراگوئه-هندوراس، مقرر کرد، نقاط پایه در هر دو طرف سواحل رودخانه و استفاده از آنها برای ایجاد یک خط مبدأ موقت می‌تواند مشکل‌ساز باشد. بنابراین دیوان به جای آن از خط منصف جهت ترسیم مرز دریایی استفاده کرد. (ICJ, 2007: Para. 273-287).

تمایز میان جزیره، صخره و برآمدگی جزری مهم است، زیرا حقوق کشورهای ساحلی در مناطق دریایی ممکن است بسته به طبقه‌بندی‌ای که در مورد ویژگی‌های ساحلی صورت می‌گیرد، تغییر کند. با بالا آمدن آب دریاها ممکن است ویژگی‌های دریایی که امروزه تحت عنوان جزایر یا برآمدگی‌های جزری شناخته می‌شوند، برای همیشه به زیر آب روند. برای مثال دیوان در پرونده نیکاراگوئه علیه هندوراس تنها به وضعیت آن جزایری که در زمان مد بالای آب قرار می‌گیرند و نه دیگر صخره‌ها اشاره کرده، بنابراین آثار بالقوه تغییر اقلیم بر حقوق کشورهای ساحلی مورد توجه قرار نگرفته است.

پس از پرونده نیکاراگوئه علیه هندوراس، به نظر می‌رسد دیوان در زمان ترسیم مرزهای دریایی عدم ثبات خطوط ساحلی و وضعیت ویژگی‌های دریایی (اینکه آنها جزیره‌اند یا خیر) را در نظر می‌گیرد. دیوان می‌تواند نقش مهمی در تفسیر و اجرای کنوانسیون تغییرات اقلیمی از جمله «مسئولیت‌های مشترک اما متفاوت» یا «تغییر اقلیم خطرناک» (ماده ۲)، که تاکنون به صورت کامل تعریف نشده‌اند، داشته باشد (Verheyen & Zengerling, 2013: 782). علاوه بر این، دیوان می‌تواند در تفسیر مقررات معاهده‌ای از جمله کنوانسیون حقوق دریاها، کنوانسیون تغییرات اقلیمی و توافقنامه پاریس مشارکت داشته باشد و در چنین پرونده‌هایی بر قاعده عدم آسیب‌رسانی تمرکز کند. با توجه به فراوانی پرونده‌ها نزد دیوان که برخی از آنها به اختلافات سرزمینی و دریایی می‌پردازد، این احتمال وجود دارد که ادعای از دست رفتن سرزمین یا ساکنان به دلیل آثار تغییر اقلیم در دیوان مطرح شود.

رسیدگی به دعاوی اقلیمی نزد دیوان همراه با مزایایی از جمله نقش مرکزی دیوان در سازمان ملل، صلاحیت کلی، گستره وسیعی از اقدامات قابل اجرا، تصمیم‌گیری شفاف و تخصصی است. البته رسیدگی به دعاوی اقلیمی در دیوان با موانعی از جمله محدودیت دسترسی به دیوان، عدم رسیدگی ترافیعی به دعاوی افراد، اثبات صلاحیت رسیدگی و... همراه است. با این حال فشار سیاسی برای آغاز محاکمه علیه

1. Continental Shelf (Tunisia/Libya Arab Jamahiriya), Judgment ICJ Reports 1982, 18; Delimitation of the Maritime Boundary in the Gulf of Maine Area, Judgment, ICJ Reports 1984, 246; and Continental Shelf (Libyan Arab Jamahiriya/Malta). Judgment. ICJ Reports 1985, 13.

دولت‌ها برای کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای زیاد است. حتی به نظر می‌رسد مجمع عمومی سازمان ملل متحد به دنبال درخواست نظر مشورتی از دیوان بین‌المللی دادگستری در این زمینه است. چنین نظر مشورتی می‌تواند توسط آژانس‌های تخصصی از جمله سازمان بهداشت جهانی، سازمان خواربار کشاورزی یا ایمو درخواست شود (Verheyen & Zengerling, 2013: 782). در سپتامبر ۲۰۱۱ رئیس‌جمهور پالاو، در شصت‌مین نشست مجمع عمومی سازمان ملل متحد خواستار نظر مشورتی دیوان در خصوص تعهدات و مسئولیت‌های دولت‌ها برای اجتناب از خسارات فرامرزی در اثر انتشار گازهای گلخانه‌ای به موجب حقوق بین‌الملل شد (United Nations Department of Public Information, 2012). با درخواست نظر مشورتی از دیوان در خصوص تعهدات کشورها برای کاهش آثار تغییر اقلیم، قواعد مربوط به جبران خسارت برای آثار ناشی از تغییر اقلیم وضوح بیشتری خواهد یافت. این وضوح بیشتر می‌تواند اقدامات مربوط به کاهش و سازگاری با تغییر اقلیم، را تسهیل کند.

۳.۴. دیوان داوری تشکیل شده مطابق با پیوست هفتم

به موجب بند ۳ ماده ۲۸۷ کنوانسیون حقوق دریاها: «یک کشور عضو، که یک طرف اختلاف خارج از شمول یک بیانیه لازم‌الاجراست، چنین فرض خواهد شد که داوری مطابق با پیوست ۷ را پذیرفته است». چنانکه گفته شد تعدادی از کشورهای منتشرکننده گازهای گلخانه‌ای مطابق با ماده ۲۸۷ اعلامیه‌ای مبنی بر انتخاب روش حل و فصل اختلاف خود صادر کرده‌اند. این امر مانعی برای کشورهای ساحلی تحت تأثیر تغییر اقلیم برای طرح دعوا علیه چنین کشورهایی نیست، زیرا دیوان داوری مطابق با پیوست هفتم در دسترس آنهاست.

محاکم داوری بر اساس پیوست هفتم به اختلافات بین دولت‌ها و همچنین اختلافاتی که در آنها سازمان‌های بین‌المللی شرکت دارند، رسیدگی می‌کنند. این محاکم از پنج نفر تشکیل می‌شود، هریک از طرفین یک نفر و سه نفر دیگر به صورت مشترک از فهرستی که هر دولت عضو کنوانسیون می‌تواند چهار نفر را معرفی کنند، انتخاب می‌شود. در صورتی که طرفین نتوانند در مورد سه داور مرضی‌الطرفین به نتیجه برسند، رئیس دادگاه بین‌المللی حقوق دریاها آنها را انتخاب می‌کند (فتحی، ۱۳۹۴: ۵۸-۵۹). در صورتی که طرفین اختلاف انتخاب مشترکی بر روی مراجع حل اختلاف در ماده ۲۸۷ نداشته باشند، مطابق شیوه‌نامه داوری طبق ضمیمه هفتم کنوانسیون اختلاف حل و فصل خواهد شد. این شیوه‌نامه حل و فصل اختلاف به لحاظ اینکه بیشتر کشورهای تولیدکننده گازهای گلخانه‌ای صلاحیت دیوان بین‌المللی دادگستری یا دادگاه بین‌المللی حقوق دریاها را نپذیرفته‌اند، در خصوص دعاوی مربوط به آثار تغییر اقلیم محتمل‌ترین شیوه‌نامه حل و فصل اختلاف در دسترس کشورهای ساحلی به‌ویژه کشورهای کوچک جزیره‌ای است.

۴.۴. دیوان داوری ویژه تشکیل شده مطابق با پیوست هشتم

در ضمیمه هشتم کنوانسیون حقوق دریاها از داوری ویژه صحبت به میان آمده است. این دیوان فقط در اختلافات ناشی از مسائل ماهیگیری، حفاظت از محیط زیست، تحقیقات علمی دریایی یا دریانوردی صلاحیت رسیدگی دارد. در بین کشورهای منتشرکننده گازه‌های گلخانه‌ای تنها مکزیک و روسیه به موجب اعلامیه صادره بر اساس ماده ۲۸۷ صلاحیت این دیوان داوری ویژه را پذیرفته‌اند. صلاحیت دیوان داوری ویژه برای رسیدگی به اختلافات مربوط به حفاظت محیط زیست این دیوان داوری را مرجع مناسبی برای رسیدگی به آثار تغییر اقلیم بر محیط زیست دریایی قرار داده است. با این حال از ۱۶۸ کشور عضو کنوانسیون تنها ۱۱ کشور به موجب اعلامیه صادره بر اساس ماده ۲۸۷ صلاحیت این دیوان داوری را پذیرفته‌اند. بنابراین این مرجع داوری علی‌رغم ظرفیت رسیدگی به چنین دعاوی‌ای، به دلیل عدم تمایل کشورها به ویژه کشورهای تولیدکننده گازه‌های گلخانه‌ای به حل و فصل دعاوی از طریق آن، کمتر احتمال می‌رود که در دعاوی مربوط به آثار تغییر اقلیم به کار رود.

یکی از نکات برجسته دیوان داوری ویژه به موجب پیوست هشتم استفاده از متخصصان در حوزه دریانوردی، حمایت و حفاظت از محیط زیست دریا، ماهیگیری و تحقیقات علمی دریایی است. به دلیل نحوه انتخاب این متخصصان از سوی سازمان بین‌المللی همچون ایمو، یونپ و فائو، این مرجع برای رسیدگی به دعاوی مربوط به آثار تغییر اقلیم مرجعی کاملاً مناسب است. با این حال از یک سو صلاحیت این دیوان داوری ویژه محدود به چهار مورد ذکر شده است، به همین دلیل بر تمام آثار تغییر اقلیم بر اقیانوس‌ها صلاحیت رسیدگی ندارد. از سوی دیگر به دلیل اینکه عمده کشورهای تولیدکننده گازه‌های گلخانه‌ای صلاحیت این مرجع را نپذیرفته‌اند، احتمال رسیدگی به دعاوی مربوط به آثار تغییر اقلیم را پایین می‌آورد.

۵. نقش روش‌های حل و فصل اختلافات کنوانسیون حقوق دریاها برای دعاوی تغییر اقلیم در آینده

در سال ۱۹۹۳ سه کشور ژاپن، استرالیا و نیوزلند کنوانسیون تحت عنوان «کنوانسیون حفظ ماهی‌های تن باله‌آبی»^۱ منعقد کردند. عدم توافق این کشورها بر روش اجرای صید سبب شد تا دو کشور استرالیا و نیوزلند اقدام به طرح دعوا در پیشگاه دادگاه بین‌المللی حقوق دریا کنند (رمضانی، ۱۳۹۲: ۱۵۶). با اینکه مسئله صلاحیت توسط ژاپن مطرح شد (ITLOS, 1999: para.33) دادگاه بین‌المللی حقوق دریاها نتیجه گرفت که این دعوا به ظاهر یک دعاوی حقوقی به موجب کنوانسیون حقوق دریاهاست (ITLOS,

1. Convention for the Conservation of Southern Bluefin Tuna, 10 May 1993, entered into force 20 May 1994

(1999: Para.44-45). از آنجایی که طرفین بر یک روش اجباری به موجب ماده ۲۸۱ به توافق نرسیدند، یک دیوان داوری مطابق با ضمیمه هفتم کنوانسیون حقوق دریاها ایجاد شد. دیوان داوری نتیجه گرفت که یک مسئله مربوط به صلاحیت وجود دارد که قبلاً نزد دادگاه بین‌المللی حقوق دریاها بحث نشده و آن مسئله ارتباط میان ماده ۱۶ کنوانسیون حفاظت از ماهی تن باله‌آبی^۱ و ماده ۲۸۱ کنوانسیون حقوق دریاهاست و به این نتیجه رسید که در خصوص اجرای روش‌های اجباری حل‌وفصل دعاوی مندرج در کنوانسیون حقوق دریاها صلاحیت ندارد (Arbitral Tribunal, 2000: Para.39). (59 در ماده ۱۶ کنوانسیون هیچ اظهارنظر صریحی برای استثنای هرگونه رویه بعدی وجود ندارد. با وجود این دیوان داوری نتیجه گرفت که قصد طرفین از وضع ماده ۱۶ استثنای دیگر روش‌های حل‌وفصل اختلافات بوده است؛ حتی جایی که نمی‌توانند بر روشی برای حل‌وفصل دعاوی خود به توافق برسند. یک تفسیر منطقی جایگزین می‌تواند این باشد که در نبود هرگونه روش دیگر، طرفین توافق کرده‌اند که تلاش‌های خود را برای حل مسائل مطابق با ماده ۱۶ از طریق روش‌های حل‌وفصل دعاوی کنوانسیون حقوق دریاها ادامه دهند. در مقابل دیوان داوری معتقد بود که کشورهای عضو کنوانسیون تنوع زیستی روش‌های اجباری حل‌وفصل دعاوی مندرج در کنوانسیون حقوق دریاها را با یک روش غیراجباری به‌موجب کنوانسیون تنوع زیستی جایگزین کرده‌اند. اگرچه هیچ عبارت صریحی در این کنوانسیون روش‌های الزامی حل‌وفصل اختلافات به موجب کنوانسیون حقوق دریاها را استثنا نکرده است (Evans. 1994: 700). این جنبه از رأی تأثیر زیادی در خصوص مسئله صلاحیت در موارد تعارض میان روش‌های حل‌وفصل اختلاف فصل پانزدهم کنوانسیون حقوق دریاها و یک رژیم جداگانه از جمله کنوانسیون تغییرات اقلیمی دارد (Doelle, 2006: 23).

این رأی اولین رأی در خصوص اجرای صلاحیت دادگاه بین‌المللی حقوق دریاها و یک مرجع داوری به موجب فصل پانزدهم کنوانسیون حقوق دریاهاست. در خصوص استدلال ژاپن مبنی بر اینکه کنوانسیون حفاظت از ماهی تن باله‌آبی روش‌های اجباری حل‌وفصل اختلافات را استثنا می‌کند، دیوان داوری اشاره کرد که این مسئله قبلاً و نزد دادگاه بین‌المللی حقوق دریاها نیز مطرح نشده است، با این حال باید در نظر گرفته شود. دادگاه بین‌المللی حقوق دریاها به‌طور منطقی این احتمال را رد کرده است، زیرا هیچ اشاره‌ای در ماده ۱۶ کنوانسیون حفاظت از ماهی تن باله‌آبی مبنی بر آنکه طرفین قصد استثنا روش‌های کنوانسیون حقوق دریاها را داشته‌اند، نشده است. بی‌شک این مسئله سبب می‌شود که آرای

۱. ماده ۱۶: در صورت بروز هرگونه اختلاف بین دو یا چند طرف در مورد تفسیر یا اجرای این کنوانسیون، آن طرف‌ها با یکدیگر مشورت خواهند کرد تا اختلاف را با انتخاب خودشان از طریق مذاکره، تحقیق، میانجی‌گری، سازش، داوری، حل‌وفصل قضایی یا سایر موارد مسالمت‌آمیز حل‌وفصل کنند.

این دو مرجع متعارض جلوه داده شود. آرای آینده روشن می‌سازد که آیا ماده ۲۸۱ کنوانسیون حقوق دریاها به کشورهای عضو اجازه می‌دهد تا روش‌های حل و فصل اختلافات کنوانسیون حقوق دریاها را استثنا کنند. حداقل باید ادبیات صریحی برای استثنای روش‌های حل و فصل اختلافات مندرج در کنوانسیون حقوق دریاها و جایگزین ساختن آن با روش‌های غیر الزامی وجود داشته باشد. در غیر این صورت تفسیر مناسب‌تر از قصد طرفین آن است که روش غیر الزامی قبل از توسل به روش‌های الزامی لازم است و مانع از دسترسی طرفین برای رجوع به روش‌های الزامی که در کنوانسیون حقوق دریاها آمده است، نمی‌شود (Doelle, 2006: 24).

با فرض اینکه تمامی طرف‌های مرتبط هر دو کنوانسیون را تصویب کرده‌اند، واکنش به طرح دعوا به موجب روش‌های کنوانسیون حقوق دریاها ممکن است این باشد که طرفین توافق کرده‌اند که دعاوی خود را در خصوص کاهش تغییر اقلیم به موجب روش‌های حل و فصل دعوا مندرج در کنوانسیون تغییرات اقلیمی حل و فصل کنند. با این حال در کنوانسیون تغییرات اقلیمی، پروتکل کیوتو و توافقنامه پاریس هیچ تعهد الزامی برای دولت‌ها به صورت فردی وجود ندارد تا از آثار انتشار گازهای گلخانه‌ای در سرزمینشان که به ورود ضرر به محیط‌زیست دریا منجر می‌شود، جلوگیری کنند (Doelle, 2006: 24).

اگر یک مرجع حل و فصل اختلاف به موجب کنوانسیون حقوق دریاها تأیید کند در چنین دعوایی کنوانسیون تغییرات اقلیمی یا پروتکل کیوتو صالح است، ماده ۱۴ کنوانسیون تغییرات اقلیمی روش‌های حل و فصل اختلافات را مقرر کرده است. نقطه شروع، مذاکره میان دولت‌های عضو یا دیگر ابزارهای متقابل مورد توافق برای رسیدن به راه حل است. طرفین این انتخاب را دارند تا بر یک روش حل و فصل اختلاف الزامی توافق کنند، اما کنوانسیون تغییرات اقلیمی روش‌های الزامی حل و فصل اختلافات را فراهم نمی‌کند. پس از دوازده ماه مذاکره، یک عضو طرف دعوا می‌تواند درخواست کند که موضوع از طریق ارجاع به یک کمیسیون منتخب طرفین مصالحه شود. کمیسیون در خصوص دعوا رأی مشورتی صادر می‌کند که تنها توسط طرفین اختلاف با حسن نیت در نظر گرفته می‌شود.^۱

تفاوت مهم میان فرایند حل و فصل اختلاف کنوانسیون تغییرات اقلیمی و کنوانسیون حفاظت از ماهی تن باله‌آبی این است که دومی اساساً طرفین را ملزم می‌دارد تا تلاش‌های خود را برای رسیدن به توافق در خصوص روش قابل قبول متقابل ادامه دهند، در حالی که روش‌های کنوانسیون تغییرات اقلیمی یک نقطه پایان دارد و در عین حال ممکن است هنوز اختلاف حل نشده باشد. توصیه‌های کمیسیون سازش در کنوانسیون تغییرات اقلیمی نقطه پایانی است و قابل تصور است که طرفین توصیه‌ها را نپذیرند. در چنین اختلافی هیچ مانع قانونی برای آغاز استفاده از روش‌های حل و فصل اختلافات کنوانسیون حقوق دریاها

1. UNFCCC. Article 19(2), (5), (6).

وجود ندارد. حتی اگر اختلاف به‌عنوان اختلاف موضوع کنوانسیون تغییرات اقلیمی در نظر گرفته شود و کنوانسیون تغییرات اقلیمی در اولویت قرار گیرد، بعید است مانعی برای توسل به روش‌های کنوانسیون حقوق دریاها وجود داشته باشد (Doelle, 2006: 25-26). به‌نظر نمی‌رسد رأی ماهی تن باله‌آبی و روش‌های حل‌وفصل اختلاف مندرج در کنوانسیون تغییرات اقلیمی موانع قانونی برای طرح دعا برای آثار تغییر اقلیم بر اقیانوس‌ها به موجب روش‌های حل‌وفصل اختلافات مندرج در کنوانسیون حقوق دریاها باشند. در طرح چنین دعوی به احتمال زیاد دولت خواهان یک کشور در حال توسعه با انتشار پایین گازهای گلخانه‌ای خواهد بود که آسیب‌پذیری بالایی نسبت به تغییر اقلیم و وابستگی شدید اجتماعی و اقتصادی به محیط زیست دریا دارد. دولت خوانده نیز به احتمال زیاد یک کشور توسعه‌یافته با سرانه انتشار بالای گازهای گلخانه‌ای است. هرچه انتشار گازهای گلخانه‌ای توسط دولت خوانده بیشتر باشد، احتمال اثبات رابطه سببیت و انتساب آسیب‌های وارده به کشور خواهان توسط کشور خوانده بیشتر خواهد بود. عضویت کشور خوانده در کنوانسیون تغییرات اقلیمی و پروتکل کیوتو احتمالاً تعیین‌کننده نیست، اگرچه رعایت اهداف کنونی و آینده کاهش انتشار ممکن است بر یافته‌های مراجع حل‌وفصل اختلاف کنوانسیون در خصوص اینکه چه مقدار کاهش برای کاهش یا حذف مسئولیت کافی است، تأثیرگذار باشد.

متأسفانه ایالات متحده آمریکا، به‌عنوان کشوری که نقش اساسی در انتشار گازهای گلخانه‌ای داشته است، کنوانسیون حقوق دریاها را تصویب نکرده است، بنابراین امکان ندارد که نزد مراجع قضایی مندرج در کنوانسیون به‌ویژه دادگاه بین‌المللی حقوق دریاها به‌عنوان خوانده فراخوانده شود. حتی اگر مقررات مربوط به حفاظت از محیط زیست دریا به‌عنوان حقوق بین‌الملل عرفی اعلام شود، از آنجایی که ایالات متحده آمریکا صلاحیت اجباری دیوان بین‌المللی دادگستری را نپذیرفته است^۱، دیوان بین‌المللی دادگستری نیز صلاحیتی در این زمینه نخواهد داشت.

۶. جبران خسارت دولت‌های در معرض تغییر اقلیم از منظر کنوانسیون حقوق دریاها

پس از تعیین صلاحیت دادگاه یا دیوان، دولت خواهان باید با شواهد روشن و متقاعدکننده ثابت کند که تغییر اقلیم که به‌علت اقدامات غیرقانونی یا ترک فعل دولت خوانده یا گروهی از دولت‌ها رخ داده، نقض تعهد حمایت و حفاظت از محیط زیست دریا یا قاعده عدم آسیب‌رسانی مندرج در کنوانسیون حقوق دریاها صورت گرفته و به ورود خسارت منجر شده است. با اتکا بر اصول کلی حقوق بین‌الملل که نقض یک قاعده حقوقی بین‌المللی مستلزم جبران خسارت است (PICJ, 1927)، می‌توان از نهادهای قضایی برای جبران خسارت درخواست کرد. روش‌های جبران خسارت عبارت‌اند از: توقف نقض و جبران کامل

۱. ایالات متحده آمریکا پذیرش ماده ۳۶(۲) اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری را در سال ۱۹۸۵ پس گرفته است.

خسارت که به اشکال گوناگونی از جمله اعاده به وضع سابق، جبران زیان یا خسارت، رضایت و گاهی اوقات حق اعمال مجازات صورت می‌گیرد (Cámara Stougaard-Andresen, 2011: 47). مسئله جبران خسارت در کنوانسیون تغییرات اقلیمی و پروتکل کیوتو تنها یک سری مقرات جزئی در خصوص مسئولیت تغییرات آب و هوایی دارد. کنوانسیون تغییرات اقلیمی مستقیماً موضوع خسارت را مطرح نمی‌سازد. پروتکل کیوتو نیز حاوی مقررات برجسته و مشخصی در خصوص جبران خسارت نیست. درحالی که ماده ۸ توافق پاریس به مکانیسم بین‌المللی ضرر و زیان ورشو به نفع کشورهای در حال توسعه اشاره دارد، این مکانیسم تا به امروز مسئولیت و جبران خسارت ناشی از تغییر اقلیم را از قلمرو خود خارج دانسته است. ماده ۸ توافق بدون اشاره به مسئولیت دولت برای جبران خسارت ناشی از انتشار گازهای، صرفاً هشت محور همکاری شامل سیستم‌های هشدار اولیه و زیان‌های غیراقتصادی را مطرح می‌سازد (سلیمی ترکمانی، ۱۳۹۷: ۱۲۲-۱۲۳).

اگر هدف از تعهدات موجود در کنوانسیون حقوق دریاها کاهش آثار تغییر اقلیم باشد، توقف یک عمل خلاف بین‌المللی بهترین روش جبران خسارت است. با توجه به تعهد به حفاظت و حمایت از محیط زیست دریا، می‌توان از دولتی که تعهد خود را نقض کرده و به آسیب به محیط زیست دریا منجر شده است، درخواست توقف عمل متخلفانه را کرد تا انتشار گازهای گلخانه‌ای را به سطحی که به افزایش گازهای گلخانه‌ای یا اسیدی کردن اقیانوس‌ها منجر نمی‌شود، برساند. با توجه به قاعده «عدم آسیب‌رسانی»، ممکن است از دولت ناقض درخواست شود که تضمین کند صنایع و منابع تحت صلاحیتش از جمله آنهایی که از فلات قاره و دریای سرزمینی استخراج می‌شود و همچنین کشتی‌ها و هواپیماهایی که تحت پرچم آن هستند، تا حدی مجاز به آلودگی هستند که چنین آلودگی نتایج جدی بر محیط‌زیست دریا نداشته باشد. به همین منظور می‌توان از چنین دولتی درخواست کرد که با وضع قوانین و اجرای آنها در زمینه ترویج کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای و در نظر گرفتن مجازات برای ناقضان با مقررات انتشار گازهای گلخانه‌ای هماهنگ و مطابق با اهداف اسناد اقلیمی عمل کنند.

اعاده به وضع سابق زمانی بهترین روش برای جبران خسارت است که خسارت ایجادشده به‌طور کامل قابل‌بازیابی است، به‌گونه‌ای که وضعیت قبلی بتواند مجدداً برقرار شود، به‌گونه‌ای که گویی نقض تعهدات بین‌المللی اصلاً صورت نگرفته است. کاملاً مشخص است که اعاده خسارت‌های وارده به زمین و محیط زیست دریا در اثر تغییر اقلیم و انتشار بیش‌ازحد گازهای گلخانه‌ای به احتمال زیاد غیرممکن است. به‌نظر می‌رسد در این حالت توقف عمل متخلفانه و جبران خسارت یک روش کارآمدتر است (Cámara Stougaard-Andresen, 2011: 54).

با توجه به آثار تغییر اقلیم بر اقیانوس‌ها، جبران خسارت می‌تواند به دولت‌های زیان‌دیده برای مقابله با پیامدهایی همچون بالا آمدن آب دریاها، افزایش اسیدیته و از دست دادن منابع طبیعی، کمک کند. در

این زمینه جبران خسارت باید تمام زیان‌های اقتصادی ناشی از نقض تعهدات مربوط به حمایت و حفاظت از محیط زیست دریا مندرج در کنوانسیون حقوق دریاهای را، از جمله خسارت‌های مربوط به از دست دادن قلمرو، آلودگی زمین‌های زراعی به دلیل بالا آمدن آب دریاهای آسیب به منابع زنده و زندگی دریایی، خطرناک نسبت به سلامت انسان، موانع فعالیت‌های دریایی از جمله ماهیگیری و دیگر استفاده‌های قانونی از دریا، اختلال در کیفیت استفاده از دریا و کاهش کیفیت آن را در برگیرد.

خسارت‌های تنبیهی نیز می‌تواند به موجب سایر معاهدات مقرر شود، درحالی‌که کنوانسیون حقوق دریاهای چین خسارت‌هایی را در بر نمی‌گیرد. رضایت نیز می‌تواند فرم مناسبی از جبران خسارت باشد و دولت خوانده را مجبور به کاهش تغییر اقلیم از طریق کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای کند. به این ترتیب می‌توان نتیجه گرفت که دادگاه بین‌المللی حقوق دریاهای صلاحیت تفسیر و اجرای کنوانسیون حقوق دریاهای و بنابراین صلاحیت رسیدگی به دعوی در ارتباط با خسارت‌های ناشی از آثار تغییر اقلیم بر محیط زیست دریاهای را نیز دارد. با فرض اینکه پیش‌شرطها برآورده و صلاحیت دادگاه اثبات شود، می‌توان روش‌های مختلف جبران خسارت را در این زمینه مدنظر قرار داد.

۷. نتیجه

می‌توان گازهای گلخانه‌ای را، با توجه به آثار آن بر محیط زیست دریا، مشمول تعریف آلودگی محیط زیست دریا، مندرج در کنوانسیون حقوق دریاهای دانست و از آن نتیجه گرفت که منتشرکنندگان بزرگ گازهای گلخانه‌ای ناقض کنوانسیون حقوق دریاهای هستند؛ بنابراین، می‌توان با استفاده از سازوکارهای الزامی حل‌وفصل مندرج در بخش پانزدهم این کنوانسیون علیه آنها طرح دعوا کرد. مقررات کنوانسیون حقوق دریاهای، به‌ویژه بخش دوازدهم آن، شرایط مناسبی برای کشورهای تحت تأثیر تغییر اقلیم فراهم می‌آورد تا علیه کشورهای منتشرکننده گازهای گلخانه‌ای، به سبب نقض تعهد به کاهش انتشار این گازها و نقض تعهد حمایت و حفاظت از محیط زیست دریایی، طرح دعوا کنند. تعهدات دولت‌ها به حمایت و حفاظت از محیط زیست دریا از طریق جلوگیری، کاهش و کنترل آلودگی و تعهد به استفاده از بهترین ابزار عملی مطابق با قابلیت‌های دولت، مندرج در ماده ۱۹۴، تعهدات مهمی‌اند. همچنین تعهد به جلوگیری از گسترش آلودگی به خارج از محدوده تحت حاکمیت دولت، مقرر مهمی است. استفاده از روش‌های حل‌وفصل اختلافات کنوانسیون حقوق دریاهای با تقویت کشورهای ضعیف‌تر می‌تواند به فشار به کشورهای عضو کنوانسیون حقوق دریاهای منجر شود تا به تعهدات خود در زمینه جلوگیری از آثار تغییر اقلیم عمل کنند. با این حال چنین دادرسی می‌تواند از لحاظ سیاسی برای کشور خواهان دشوار، پرهزینه و همراه با این ریسک باشد که منافع زیادی را از دست دهد.

استفاده از سازوکارهای حل‌وفصل اختلاف کنوانسیون حقوق دریاها بی‌شک با موانع، مسائل پیچیده و علمی مختلفی همراه خواهد بود. برای مثال اثبات خسارت، علت، معیار اثبات، ایجاد تعادل میان حقوق حاکمیتی برای استخراج منابع طبیعی و حمایت و حفاظت از محیط زیست دریا، توجیهات احتمالی و این امر که آیا دولت‌ها می‌توانند به‌طور مشترک و به‌طور انفرادی مسئول شناخته شوند، مواردی از چنین موانعی است. با توجه به روند رو به رشد آثار ناشی از تغییر اقلیم، احتمالاً انفعال در خصوص مسائل زیست‌محیطی به‌زودی کنار گذاشته می‌شود. از این‌رو ادعای یک دولت کوچک جزیره‌ای یا دیگر کشورهای آسیب‌دیده مبنی بر مسئولیت دولت‌های منتشرکننده گازهای گلخانه‌ای برای آثار تغییر اقلیم دیگر یک توهم یا یک چشم‌انداز علمی صرف نخواهد بود. بنابراین، باید به‌طور فعال برای تبدیل راه‌حل‌های بالقوه به راه‌حل‌های بالفعل در زمینه مبارزه با آثار تغییر اقلیم کوشید.

منابع

۱. فارسی

الف) کتاب

۱. تاناکا، بوشیفومی (۱۳۹۵). *حقوق بین‌الملل دریاها*. ترجمه آرمین طلعت، تهران: شهر دانش.

ب) مقالات

۲. پیری، مهدی (۱۳۹۷). تأملی بر آثار حقوقی الحاق جمهوری اسلامی ایران به توافقنامه پاریس در خصوص تغییرات اقلیمی. *فصلنامه مطالعات حقوق عمومی*، ۴۸(۴)، ۸۸۷-۹۰۸.
۳. رضانی قوام‌آبادی، محمدحسین (۱۳۹۲). بررسی تطبیقی اجرای اصل احتیاط زیست‌محیطی در پرتو آرا و تصمیمات مراجع بین‌المللی. *فصلنامه پژوهش حقوق عمومی*، ۱۵(۴۰)، ۱۴۱-۱۶۴.
۴. سلیمی ترکمانی، حجت (۱۳۹۷). از مسئولیت حقوقی تا مسئولیت اخلاقی آنها در زمینه مقابله با تغییرات آب‌وهوایی. *مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز*، ۲(۱۰)، ۱۰۵-۱۳۳.

ج) پایان‌نامه

۵. فتحی، بهرام (۱۳۹۴). *نقش دیوان بین‌المللی حقوق دریاها در حفظ محیط‌زیست دریا*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.

۲. انگلیسی

A) Books

1. Cámara Stougaard-Andresen, R. A. (2011). *Climate change and the Law of the Sea Convention*. Master thesis, Faculty of Law Lund University.
1. (Julia) Xue, G. (2013). Climate Change Challenges and the Law of the Sea Responses, *In* Oliver C. Ruppel, Christian Roschmann and Katharina Ruppel-Schlichting, *Climate Change: International Law and Global Governance. Volume 1: Legal Responses and Global Responsibility*, Baden, Nomos.
2. Okubo, N. (2007). *Climate Change Litigation: A Global Tendency: International Law and Global Governance Volume 1: Legal Responses and Global Responsibility*. Baden, Nomos.
3. Takamura, Y. (2013). Climate Change and Small Island Claims in the Pacific, *In* Oliver C. Ruppel, Christian Roschmann and Katharina Ruppel-Schlichting, *Climate Change: International Law and Global Governance*, Vol. 1: Legal Responses and Global Responsibility, Baden, Nomos.
4. Verheyen, R., & Cathrin, Z. (2007). *International Climate Change Cases, International Law and Global Governance*, Vol. 1: Legal Responses and Global Responsibility, Baden, Nomos.

B) Articles

5. Boyle, A. (2012). Law of the Sea Perspectives on Climate Change. *Marine and Coastal Law*, 27 (4), 831–838.
6. Boyle, A. (2018). Addressing Climate Change Impacts through UNCLOS Particle XV Dispute Settlement Mechanisms. *in* Climate Change and the Law of the Sea: Adapting the Law of the Sea to Address the Challenges of Climate Change. Singapore. *Conference Report*, 21-22.
7. Burns, W. C.G. (2007). Potential Causes of Action for Climate Change Impacts under the United Nations Fish Stocks Agreement. *Unstainable Development Law & Policy*, 79(2), 34-41.
8. Doelle, M. (2006). Climate Change and the Use of the Dispute Settlement Regime of the Law of the Sea Convention. *Ocean Development and International Law*, 37(3-4), 1-40.
9. Evans, M.D. (1994). Case Concerning Maritime Delimitation in the Area between Greenland and Jan Mayen (Denmark v. Norway), *International and Comparative Law Quarterly*, 43(3), 697-704.
10. Kalas, P. R. & Alexia, H. (2000). Dispute Resolution under the Kyoto Protocol. *Ecology Law Quarterly*, 27(1), 53-134.
11. Lyons, Y. (2018). Protecting Coral Reefs and other Sensitive Marine Areas from the Impacts of Climate Change and Ocean Acidification. *in* Climate Change and the Law of the Sea: Adapting the Law of the Sea to Address the Challenges of Climate Change. Singapore: *Conference Report*, 18-20.
12. Osofsky, H. M. (2005). The Geography of Climate Change Litigation: Implications for Transnational Regulatory Governance. *Washington University Law Quarterly*, 83(6), 1789–1855.
13. Oral, N. (2021). "LCIL Friday Lecture: 'Climate change and the law of the sea: A test

- for international law", Centre for International Law-National University of Singapore, 1-34.
14. Peel, J. (2007). The Role of Climate Change Litigation in Australia's Response to Global Warming. *Environmental and Planning Law Journal*, 24, 90-105.
 15. Preston, B. J. (2010). Climate Change Litigation. paper delivered to "Climate Change Governance after Copenhagen" Conference organized by Faculty of Law, The University of Hong Kong and Faculty of Laws, Hong Kong, University College London, Available at <http://www.ucl.ac.uk>, Last accessed 30 May 2020.
 16. Redgwell, C. (2018). Treaty Evolution, Adaptation and Change: Is UNCLOS 'enough' to address Climate Change Impacts on the Oceans?. in Climate Change and the Law of the Sea: Adapting the Law of the Sea to Address the Challenges of Climate Change, Singapore, *Conference Report*, 22-24.
 17. Tol, Richard S.J. & Roda, V. (2004). State Responsibility and Compensation for Climate Change Damages – a Legal and Economic Assessment. *Energy Policy*, 32, 1109-1130.
 18. Vicuña, F. O. (1998). Responsibility and Liability for Environmental Damage under International Law: Issues and Trends. *Georgetown International Environmental Law Review*, 10(2), 279 – 308.
 19. Weinbaum, A. (2011). Unjust Enrichment: An Alternative to Tort Law and Human Rights in the Climate, Change Context?. *Pacific Rim Law & Policy Journal*, 20(2), 412-429.

C) Cases

20. Arbitral Tribunal, 2000, Southern Bluefin Tuna Cases (New Zealand v. Japan; Australia v. Japan). Award on Jurisdiction and Admissibility
21. International Court of Justice, 1966, South West Africa (Ethiopia v South Africa; Liberia v South Africa), Judgment.
22. International Court of Justice, 1973, Nuclear Tests Case (Australia v France), Order Interim Measures.
23. International Court of Justice, 2001, the 'MOX Plant' Case (Ireland v United Kingdom). Written Response of the United Kingdom.
24. International Court of Justice, 1949, Corfu Channel (United Kingdom of Great Britain and Northern Ireland v Albania). Judgment.
25. International Court of Justice, 1970, Barcelona Traction, Light and Power Company, Limited (Belgium v Spain). Judgment.
26. International Court of Justice, 1977, Gabacikovo – Nagymaros Project (Hungary / Slovak), Judgment.
27. International Court of Justice, 2007, Case Concerning Territorial and Maritime Dispute between Nicaragua and Honduras in the Caribbean Sea (Nicaragua v. Honduras), Judgment.
28. International Court of Justice, 1969, Case concerning North Sea Continental Shelf (Germany v Denmark and the Netherlands). Judgment.
29. International Court of Justice, 2010, Pulp Mills on the River Uruguay (Argentina v. Uruguay), Judgment.
30. International Tribunal for the Law of the Sea, 2011, Responsibilities and obligations of

- states sponsoring persons and entities with respect to activities in the area (request for Advisory opinion submitted to the seabed Disputes chamber), Advisory opinion.
31. International Tribunal for the Law of the Sea, 1999, Southern Bluefin Tuna Cases (New Zealand v. Japan; Australia v. Japan). Provisional Measures, 1999.
32. Pree International Tribunal for the Law of the Sea, 1927, Case Concerning the Factory at Chorzow (Germany v Poland), Jurisdiction.
33. Pree International Tribunal for the Law of the Sea, 1929, Territorial Jurisdiction of the International Commission of the River Oder (Czechoslovakia, Denmark, France, Germany; Great Britain, Sweden/Poland).

D) Documents

34. Conference of the Parties serving as the meeting of the Parties to the Paris Agreement Second session Madrid. 2–13 December 2019. Agenda item 6. Warsaw International Mechanism for Loss and Damage associated with Climate Change Impacts.
35. Conference of the Parties Report of the Conference of the Parties on its twenty-fifth session. Held in Madrid from 2 to 15 December 2019. 16 March 2020. Part two: Action taken by the Conference of the Parties at its twentyfifth session.
36. IPCC 2019. IPCC Special Report on the Ocean and Cryosphere in a Changing Climate [H.-O. Pörtner, D.C. Roberts, V. Masson-Delmotte, P. Zhai, M. Tignor, E. Poloczanska, K. Mintenbeck, A. Alegría, M. Nicolai, A. Okem, J. Petzold, B. Rama, N.M. Weyer (eds.).
37. United Nations Department of Public Information, 3 February 2012, Press Conference on Request for International Court of Justice Advisory Opinion on Climate Change. Available at http://www.un.org/News/briefings/docs/2012/120203_ICJ.doc.htm. Last accessed 17 March 2018.
38. http://www.un.org/depts/los/settlement_of_disputes/choice_procedure.htm, last visited 6 July 2021.